

به اعضا و فعالین حزب

آذر مدرسی

رفقای عزیز!

کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی) در راه است و با پایان انتخابات نمایندگان، تدارک سیاسی کنگره در دستور نه فقط نمایندگان بلکه همه اعضا و فعالین حزب قرار میگیرد. کنگره دهم حزب با تاخیری دو ساله برگزار میشود، اما حزب ما طی این دو سال بعنوان نیرویی کمونیست، دخیل و موثر در اوضاع متحول و پر طبعش جنبش آزادیخواهانه مردم، برای دستیابی به آزادی، رفاه، امنیت و عدالت اجتماعی، نقش ایفا کرده است. کنگره دهم حزب، بعنوان عالیترین مجمع حزبی، میتواند و باید بر متن این اوضاع متلاطم و پرمتن نقش و وزن حزب، راههای پیشروی این جنبش علیه ارتجاع حاکم، راههای مقابله و منزوی کردن سناریوهای ارتجاعی علیه پیروزی جنبش آزادیخواهانه مردم و قدرتگیری طبقه کارگر و کمونیستها را نشان دهد.



محلات پایتخت یادگان نمی شود!

فواد عبدالمهی



بودجه شهرداری تهران برای سال ۱۴۰۱، دو هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان است و از مجموع سخنان مقامهای جمهوری اسلامی به خصوص شهردار تهران، پیدا است که بخش زیادی از این بودجه برای استقرار نیروهای امنیتی و نظامی در محلات تهران صرف می شود.

در این خصوص علیرضا زاکانی شهردار تهران، از تبدیل شدن «سراهای محله» به قرارگاههای محلی بسیج و سپاه خبر داد و گفت که شهرداری تهران، به عنوان قائم مقام وزیر کشور به دنبال این است که از همه ظرفیتها برای ایمنی تهران استفاده کند. سراهای محله در تهران، مراکزی اند که با مدیریت محلی اداره می شوند و فضاهایی را برای فعالیت های آموزشی، فرهنگی، هنری و محلی در اختیار ساکنان محل قرار می دهند. اطلاعات آماری شهرداری تهران نشان می دهد که سراهای محله در بیش از ۳۰۰ محله تهران تاسیس شده اند و حالا در پی برنامه ریزی جدید شهرداری قرار است این مراکز با عنوان «قرارگاه اجتماعی» در اختیار نیروهای سپاه و بسیج قرار گیرند تا پازل سپردن امور محلات تهران به دست عوامل امنیتی نظام تکمیل شود.

پیش تر غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفان، از تلاش برای ایجاد ۱۱ هزار محله اسلامی در ایران تا پایان سال آینده خبر داده و گفته بود که این طرح برای «تحقق دولت اسلامی» اجرا می شود. وی هدف از اجرای این طرح را «حاکم شدن ارزش های اسلامی» بیان کرد و گفت: «مهم آن است که جامعه از مرحله دولت اسلامی عبور کند و تحقق جامعه مهدوی روی بدهد».

کاملا بدیهی است که آرایش امنیتی جدید در محلات تهران آن هم با چنین پشتوانه هنگفت مالی رعد در آسمان بی ابر نیست. جمهوری اسلامی شریان های اقتصادی را به روی شهروندان بسته است و نان و بودجه مردم را گرو گرفته است. مردمی که جلو آمده اند، حق شان را می خواهند و به چیزی کمتر از تقسیم ثروت راضی نمی شوند. صفوف مبارزات مردم برای رفاه، برابری و معیشت روز به روز فشرده تر می شود. عصبان، انزجار و خشم توده های مردم گام به گام متشکل تر می شود. امروز کمتر اعتراضی در جامعه ایران بدون پشتوانه مجامع عمومی، شوراهای ارگان های سازماندهی اعتراضات و کمیته های محلات صورت می گیرد. ... صفحه ۲

واکسن کرونا، «حق انحصاری

تولید» و جامعه بشری

امان کفا



در آغاز سال نو میلادی، روزنامه واشنگتن پست خبر یک واکسن کرونا جدید، بنام «کوروب وکس»، توسط یک گروه کارشناس از بیمارستان کودکان در تکزاس آمریکا را پخش شد. طبق گزارش مقدماتی، این واکسن از توان بالایی در مقابل ویروس های دلتا و آمیکرون برخوردار است و با هزینه کمی قابل تولید است، تا بحال هندوستان ۳۰۰ میلیون دوز از این واکسن را پیش خرید کرده است. گرچه هنوز باید منتظر نتایج کامل آزمایشات پیش از ساخت وسیع واکسن بود، اما آنچه این واکسن را از بقیه واکسن های موجود متمایز می کند در این است که حق انحصاری در تولید این واکسن وجود ندارد. ... صفحه ۴

طبقه کارگر میتواند!

بساط شرم آور حکومتی حداقل دستمزد را

برچینیم!

پیام به مردم آزادیخواه گردستان!

حل مشکلات شما با این سرما و برف بر دوش دولت است

آزادی برابری حکومت کارگری

در مورد یک اتفاق نگران کننده در مریوان

در روزهای گذشته، کلیپ به آتش کشیدن یک ماشین از طرف رییوار کریمیان(رییوار مریوان)یکی از افراد مسلح باند مهدی، در فضای مجازی انتشار یافته است که در پیام همراه کلیپ، ادعا شده است که این اقدام در جواب کسی است که در یک برنامه لایو اینستاگرامی، به «کومه له» فحاشی کرده است.

از آنجا که هویت واقعی هیچ کس معلوم نیست، مسئله ناروشن و چند و چون ماجرا هم ناروشن است. این اقدام اما به نیروهای منتسب به «کومه له» نسبت داده شده است.

از آنجا که تعرض به مال و امنیت و زندگی مردم تحت هر نامی غیرقابل تحمل و ناپذیرفتنی است و از آنجا که رسم شدن چنین اقدامی خطر رشد ترور و ارباب جامعه توسط جمهوری اسلامی یا هر نیروی باند سیاهی را به دنبال دارد، این مسئله نمی تواند با سکوت نیروهای سیاسی مسئول روبرو شود. بطور طبیعی، هر جریانی که به چنین اقدامی متهم شود، بطور رسمی و اصولا باید در مقابل چنین ادعایی موضع گرفته و برای پاک کردن حساب خویش از چنین اقدامی، رسماً و علناً در این مورد ابراز نظر نماید. چنین کاری نه فقط خاطر همگان را آسوده می کند بلکه مخاطرات موشدوانی نیروهای ارتجاعی و بویژه جمهوری اسلامی در ترور مخالفین سیاسی رژیم و منتسب کردن آن به نیروهای سیاسی را به صفر میرساند.

در عام سیاست امروز، سازمان های متعددی مشغول فعالیت اند که همین عنوان «کومه له» را بر خود دارند، لذا انتظار میرود این جریانات برای کمک به شفافیت قضیه و ممانعت از سوء استفاده اختلافات در این سازمانها و ... در این باره سکوت نکرده و در مقابل جامعه رسماً پاسخگو باشند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)
۲۶ دیماه ۱۴۰۰ (۱۵ ژانویه ۲۰۲۲)

ایران و مجلات زندگی مردم پادگان نمی شود. پشت جمهوری اسلامی با رهبر مخوف، با رییس جمهور جلال و قوای سه گانه اش، با ارتش، بسیج، سپاه و ارگان های سرکوبگرش، با قوانین منحوس اسلامی اش در مقابل نسل پرشور و آزادی خواهی که با تکیه بر ارگان های اعمال اراده مستقیم خود پوزه قوانین اسلامی و حضور مزدوران حکومتی را در مجلات به خاک مالیده، رو به دیوار است. پشت این نظام و پشت کل بورژوازی ایران در مقابل طبقه کارگر که از مجلات تا میادین کار پرچم اداره شورایی جامعه را به اهتزاز در آورده است رو به دیوار است. این نظام در محاصره یگانه اپوزیسیون خود یعنی طبقه کارگر و سوسیالیست ها است. در خندق آخر است. این نظام تمام ثروت و بودجه مردم را که می توان ایران و گل خاورمیانه را با آن آباد کرد صرف سرکوب مردم می کند؛ این نظام بودجه خود را حول مهمترین و حیاتی ترین اصل نظام یعنی حفظ بقاء سیاسی خود می کند. این را بی شیله پیله در هر دم و بازدم لرزان حکام اش می توان شنید.

ترس حاکمیت از مسلح شدن گسترده و سراسری مطالبه «نان و رفاه» به این ارگان هاست. تصور اینکه در هر شهر و محله ای، ارگان های اعمال کنترل مردمی مانند شوراها قوام بگیرند و اداره امور را خود بدست بگیرند کاملاً واقعی است و واقعی تر از آن اختصاص بودجه کلان حاکمیت برای مقابله با این ارگان های مردمی در مجلات است. نظام قصد دارد چنگ و دندان را در مجلات هم نشان دهد. با تکیه بر پول و امکانات مادی و با اجیر کردن مزدور در مجلات می خواهد جلو ضرر را بگیرد.

اما مسئله به این سادگی ها نیست و بیخ دارد. اگر جناب شهردار تهران با یک مردم توسری خور، برده، رعیت و سر به زیر روبرو بود شاید ترساندن شهروند با توسل به روغایی از چنین طرح هایی هم می توانست چند صباحی امنیت نظام مطبوع ایشان را تامین کند. شاید می شد مانند دوران قرون وسطی و حاکمیت کلیسا برای مخالفان نظام سر هر محله و گردنه ای بساط تفتیش عقاید پهن کرد و مردم را مجازات و جامعه را مرعوب کرد. شاید امروز هم می شد کوره های آدم سوزی را در قالب لعنت آبادها در مجلات و میادین شهرها دوباره راه انداخت و دادگاه های انگیزاسیون گشتاپو و «بوخوالد» را در اوین ها و قزل حصارها زنده کرد. شاید می شد در راستای جلوگیری از نضج، نشو و نمای هر فکر، اندیشه و آلترناتیو پیشرو و جدیدی، سطح شهرها را همانند دهه سیاه ۶۰ در ایران با قوانین کریه اسلامی پوشاند؛ میدان های تیر و هالوکاست اسلامی راه انداخت و راه تنفس شهروندان را بشکل موقتی مسدود کرد... شاید! شاید همه آن سیاهی را می شد امروز هم باز تکرار کرد اگر که این مردم، این جامعه، این جهان، این قرن و این نسل، محکوم به تسلیم و تن دادن به حاکمیت مشتئی تفاله مرتجع اسلامی می بود. شاید اگر ماشین زمان رو به عقب گام برمی داشت چه بسا مردم ایران هم به زاغه نشینی تمکین می کردند.

اما از این خبرها نیست. ایران و مجلات زندگی مردم پادگان نمی شود. پشت جمهوری اسلامی با رهبر مخوف، با رئیس جمهور جلال و قوای سه گانه اش، با ارتش، بسیج، سپاه و ارگان های سرکوبگرش، با قوانین منحوس اسلامی اش در مقابل نسل پرشور و آزادی خواهی که سال هاست از مقدسات و ارزش های کثیف اسلامی عبور کرده و امروز با تکیه بر ارگان های اعمال اراده مستقیم خود پوزه مزدوران و نیروهای امنیتی حکومت را در مجلات به خاک مالیده، رو به دیوار است. پشت این نظام و پشت کل بورژوازی ایران در مقابل طبقه کارگر که از مجلات تا میادین کار پرچم اداره شورایی جامعه را به اهتزاز در آورده است رو به دیوار است. این نظام در محاصره یگانه اپوزیسیون خود یعنی طبقه کارگر و سوسیالیست ها است. در خندق آخر است. این نظام تمام ثروت و بودجه مردم را که می توان ایران و کل خاورمیانه را با آن مرفه و سعادتمند کرد صرف سرکوب مردم می کند؛ این نظام بودجه خود را حول مهمترین و حیاتی ترین اصل نظام یعنی حفظ بقاء سیاسی خود می کند. این را بی شیله پیله در هر دم و بازدم لرزان حکام اش می توان شنید. اقرار تک به تک سران این نظام به طوفان محرومانی که در راه است و برج و باروی شان را در هم خواهد پیچید کاملاً واقعی است و الدرمد بلدرمد جناب شهردار برای روحیه دادن به صفوف ملهن و زهور در رفته خودشان است. عرصه بر پرسه زنی مزدوران چنین نظام ترسوئی در مجلات پایتخت از هم اکنون تنگ شده است.

بی تردید همان ها که مردم را، که کارگران، معلمان، دانش آموزان، زنان و جوانان تشنه آزادی و برابری را حول مسئله نان، رفاه و آزادی در مجلات کار و زیست متحد و متشکل می کنند، پاسخ درخور خود را به چنین مانورهای حکومتی خواهند داد. همان ها که مردم را جمع می کنند، که دست آنها را در دست همدیگر می گذارند؛ همان ها که مردم را به هم وصل می کنند، مجلات و شهرها را به هم می بافند؛ همان ها که مورد اعتماد مردم در کارخانه ها، دانشگاه ها و مجلات زیست هستند؛ همان ها که دلسوز و مدافع واقعی حقوق مردم اند؛ همان ها که امکان پیروزی مردم و راه به پیروزی رساندن هر حرکت رادیکال اجتماعی را ترسیم می کنند؛ آنان که جلودار صف مردم اند، از دور پلیس و جاسوس نظام در صفوف مردم را فوراً شناسایی می کنند و راه خنثی کردن هر توطئه و ترغیب حاکمیت را خوب بلدند؛ همان ها، همان کمونیست ها و رهبران رادیکال - سوسیالیست طبقه کارگر که پاشنه آشیل حاکمانند در مجلات پایتخت و سایر نقاط ایران نیز حق جناب شهردار و نیروهای امنیتی نظام اش را کف دست شان می گذارند.

بیانیه حقوق جهات شمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها است

طبقه کارگر میتواند!

بساط شرم آور حکومتی حداقل دستمزد را برچینیم!

کارنوال شرم آور هر ساله دستگاه حکومتی برای تعیین حداقل دستمزد کارگران، تبلیغات بر سر «تحقیق» و «تفحص» «متخصصین» شان، اعلام آمار، ارقام و سنجش میزان «نیاز» و «سبب کارگری» برای زنده ماندن، به روال هر ساله به راه افتاده است. عوامل ضد کارگر خانه کارگر و شوراهای اسلامی با حقه بازی و اشک تمساح ریختن یک بار دیگر پا به میدان گذاشته اند تا به نام «کارگران» در شورای عالی کار وظیفه به اصلاح چانه زنی و غروندنهای تهوع آور و دلسوزی دروغین برای کارگران را راه بیندازند و نهایتاً مشتکا «مرحمت» کرده و چنדר غازی را به سفره «فقرمستضعف» به عنوان افزایش دستمزد تعوییل جامعه بدهند. این بساط ضد کارگری بورژوازی ایران و حکومتش را باید برچینیم. این بی حرمتی عریان و تعرض به زندگی، حرمت و کرامت طبقه کارگر از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب با شاغل و بیکار با زن و مرد و کودک و خانواده کارگری را نباید قبول کرد. این تعرض را باید شکست داد. افزایش دستمزد ها متناسب با «خط رفاه» در همه سطوح را میتوان و باید به اتکا به صف متحد خود به حاکمیت تحمیل کرد.

برای طبقه کارگر، با تجاری که در جدال چند سال گذشته کسب کرده است، فصل تعیین دستمزد مناسبتی است که با پرچم افزایش دستمزدها در همه سطوح و برای کل این صف، از مراکز کار تا صف بیکاران و تامین زندگی آنها تا صف معلم و بازنشسته، از میادین شهرها تا محلات کارکنانشین، نیروی یک طبقه را در اشکال مختلف متحد کرد و سازمان دهد. اگر وزرا و وکلای طبقه حاکم تلاش میکنند با تبلیغات همیشگی و کسل کننده، به فقر، خط فقر و خط مرگ اشاره کنند، اگر تلاش میکنند خط مرگ را به نام دلسوزی ریکارانه به ما تحمیل کنند، اگر تلاش میکنند با طرح هایی چون «مزد توافقی»، «مزد منطقه ای» و...، تفرقه، توحش، بربریت و گرسنگی بیشتر را به ما تحمیل کنند، صف ما میتواند با سازمان دادن نیروی خود دیگری این دستگاه توحش و بربریت بورژوا اسلامی را به مرگ نزدیک کند. مزد کارگر و نیروی کارکن جامعه حتی در تاریخانه های ضد کارگری حکومت و در شورای عالی کار بر اساس توازن قوای طبقه ما با بورژوازی و میزان اتحاد و آگاهی صفوف ما تعیین میشود. این جدال همیشگی دو طبقه یکی برای رفاه، عدالت، آزادی و دیگری برای تحمیل بردگی کامل، فقر، محرومیت و محکوم ماندن صف ما. این دایره توحش و بربریت ضد کارگری و ضد انسانی را باید برچینیم. این کار جنبش کارگری و کار جنبش سوسیالیستی این طبقه است و ابزار آن اتحاد و سازمان ما کارگران در این جامعه است. امروز باید علیه توحش و بربریت، علیه تلاش بورژوازی برای تحمیل خط مرگ به نام «دستمزد» و «زندگی» شورید و این بساط را بر سرشان خراب کرد. ما میتوانیم و امروز بیش از هر زمانی نیروی ما این آمادگی را پیدا کرده است.

زنان و مردان کارگر!

بر شما پوشیده نیست که جمهوری اسلامی میکوشد با تحمیل فقر و محرومیت، در کنار تبلیغات وسیع و توجیهاات همیشگی، طبقه ما را به زانو در آورد و تسلیم کند. فصل تعیین دستمزدها مستقل از هیاهوی بیشرمانه آنها و عوامل شان، فصل رسمیت دادن به زندگی زیر خط مرگ ما است. طبقه کارگر در این جامعه نه حق تشکل، نه اعتصاب و نه

ارسال نماینده خود برای چانه زنی را با سرمایه داران و دولتشان دارد. تعیین میزان دستمزد مستقیماً به موقعیت ما با حاکمین و دشمنان طبقاتی ما گره خورده است. باید به این بساط تحقیر آمیز خاتمه داد. باید تلاش کرد جنبشی سراسری به وسعت ایران از مراکز صنعتی تا کارگران بیکار از صف معلم تا بازنشسته و... را سازمان داد و به میدان آورد. تجارب تا کنونی از هفت تپه و فولاد تا نفت، گاز، پتروشیمی ها و تا معادن، خودروسازی ها، ترانسپورت، صف معلمین و بازنشستگان و... بیان یک موج اعتراضی بزرگ و رادیکال علیه این فقر و فلاکت و برای بهبود و رفاه است. این صف را باید متحد کرد و متحد به میدان آورد. همه مراکز کارگری، همه محلات کارگر نشین میتواند و باید به میدان تجمع و برگزاری مجامع کارگری و خانواده های ما، به میدان اتحاد و درهم تنیدن صف ما در مقابل حاکمین تبدیل شود. اگر هم صدا شویم و نیروی خود را متحد وارد این جدال کنیم، هیچ نیرویی توان مقابله با ما را ندارد و میتوانیم رفاه عمومی خود و جامعه را به حاکمین تحمیل کنیم. ما این قدرت را داریم و میتوانیم.

رفقای کارگر!

جامعه ایران وارد دوره جدیدی شده است! شما کارگران در کنار معلم و پرستار، از بازنشسته تا نسل جوان این طبقه به وسعت ایران، در هر مناسبتی علیه بردگی خود، علیه وضع موجود و افسارگریختگی بورژوازی با پرچم مشترک و خواست رفاه و برابری شوریده اید و نوید حاکمیت از پایین را در قامت شورایی جاز زده اید. این نسیم در همه جا وزیده است و رنگ کنار گذاشتن سیستم و حاکمیت مشت میلبارد انگل و فاسد با دولت و دستگاه سرکوب شان، قضات و دستگاه تحمیل آن، به صدا درآمده و سیمای جامعه و توازن قوا را به نفع پایین تغییر داده است. نسیم عدالتخواهی کارگری و صدای رژه پرولتاریای صنعتی ایران در صف اول چند ده میلیون کارگر و مردم کارکن جامعه با خواست پایان حاکمیت بورژواها و عدالت کارگری زمین سیاست در ایران را شخم زده است و رنگ خود را به همه چیز زده است. تکان خوردن این صف در اعتراضات این دوره، در مراکز صنعتی، در محلات کارگری، در میادین شهرها و در صف معلم و بازنشسته و در صف محرومین جامعه، قدرقدرتی بالا را شکسته است و امید و نوید تحولی برابری طلبانه بر دوش طبقه ما را در قلب دهها میلیون انسان کاشته و عمارت بالایی ها را به لزه درآورده است. جدال ما برای رفاه نباید منتظر تشریفات و «فرمایشات» بیشرمانه حکومت بشود. این بازی هر نتیجه ای داشته باشد، از نظر لشکر میلیونی طبقه ما از قبل مردود است. میزان دستمزد هر کارگری به قدرت متحد ما بستگی دارد. برای بهبود و رفاه و آزادی، برای بالا بردن دستمزدها و برای بیرون کشیدن سهم خود از حلقوم طبقه سرمایه دار همه جا در نهاد و تشکلهای خود در مجامع عمومی خود متشکل شویم، خط رفاه خود و جامعه را تعیین کنیم و کفرخواست یک طبقه علیه بورژواها و سیستم و حکومتشان به وسعت جامعه را بانگ بزنیم. هر روز و هر لحظه از زندگی طبقه کارگر در ایران «فصل تعیین دستمزد» است. مبارزه برای بهبود معیشت، برای رفاه و نه تنها حداقل دستمزد، میدان جدی جدال دو طبقه به وسعت ایران است و در این جدال طبقه کارگر راهی جز پیروزی با اتکا به سازمان دادن به صف طبقاتی و متحد خود ندارد. ما توان و قدرت این را داریم! ما میتوانیم حاکمین را به زانو در آوریم!

زنده با اتحاد کارگری

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۵ ژانویه ۲۰۲۲

به اعضا و فعالین حزب...

در این کنگره قطعاً باید نه فقط به راهی که آمده ایم، به موقعیتی که جنبش ما، جنبش کمونیستی، و حزب ما در طبقه کارگر کسب کرده است، به وزن اجتماعای بالایی که امروز طبقه کارگر و کمونیستهای آن بدست آورده اند، به موقعیتی که جنبش برابری طلبانه مردم آزادیخواه کسب کرده است، بلکه به نقشه پیشروی های بعدی و وظایفی که بر دوش یک حزب کمونیستی، موثر و دخیل قرار میگیرد، بپردازیم.

بدون شک چند روزی که کنگره حزب برگزار میشود، روزهایی تعیین کننده ای نه فقط در حیات سیاسی حزب که در جنبش چپ و کمونیستی است. روزهایی است که زن برابری طلب، جوان آزادیخواه، معلم و بازنشسته آزادیخواه و تشنه رفاه، با اشتیاق و دقت به مباحث و تصمیمات آن نگاه کرده و آنرا ارزیابی میکنند. روزهایی که هر کارگر سوسیالیستی تلاش، هوشیاری و درایت سیاسی، اشتها، جسارت و عزم کمونیستهای رادیکال- کارگری و ماگزیمالیست برای تضمین پیشروی تحولات آتی، به نفع طبقه کارگر و میلیونها انسان آزادیخواه در جامعه و زدن مهری رادیکال و کمونیستی به آن را محک میزنند!

رفقای عزیز!

قطعاً موقعیتی که امروز حزب ما بدست آورده است، اعتبار، سمپاتی، نفوذ و احترام آن در میان کارگران کمونیست و آزادیخواهان بدون تلاش شبانه روزی و بدون دخالت جدی همگی شما ممکن نبود. ادامه این راه و تحکیم موقعیت حزب ما در جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهان مردم ایران نیز بدون تلاش و دخالت دائم و موثر شما ممکن نیست.

در کنگره دهم حزب باید راههای موثر تحکیم موقعیت حزب و پیشروی جنبش کمونیستی- کارگری را در نبرد سرنوشت ساز پیش رو تعیین کنیم. از اینرو در کنار

فعالیت دائمی و همیشگی خود، در کنار دخالت در مسائل سیاسی-مبارزاتی در جریان، باید دخالت در مباحث کنگره، طرح مهمترین مسائلی که حزب ما باید به آنها پاسخ دهد، طرح موانعی که در مقابل خود داریم و راههای فائق آمدن به آن و در یک کلام تضمین راه پیشروی حزب در دوره پر تلاطم کنونی، که طبقه کارگر و بخشهای مختلف مردم محروم و آزادیخواه پا به صحنه سیاست و تسویه حساب نهایی با حاکمیت بورژوازی گذاشته اند، را در دستور و اولویت خود قرار دهیم. دوره ای که سوسیالیسم و کارگر مهر خود را بر سیاست این دوره زده اند و به نقطه امیدی تبدیل شده و اداره شورایی بعنوان آلتزناتیو کارگری به آلتزناتیو بخش وسیعی از مردم تبدیل شده است، نیازمند ایفای نقش ما بعنوان یک حزب سیاسی کمونیستی است.

بدون تردید جای صدها کادر و فعال کمونیست در ایران، که به دلایل امنیتی از حضورشان محروم هستیم، خالی خواهد بود. اما دخالت و تاثیر گذاری بر کنگره محدود به حضور در سالن کنگره نیست. تلاش ما این است که بیشترین امکانات را برای دخالت این رفقا، برای شنیدن و رساندن مباحثات، نظرات و ملاحظاتی این رفقا به کنگره و نمایندگان آن را فراهم کنیم.

از همه شما عزیزان میخواهیم که هر بحث و مسئله ای که از نظر شما مهم است و لازم است کنگره به آن توجه کند، هر اولویتی که حزب باید در کنگره به آن بپردازد را در هر شکلی، نامه یا قرار، قطعنامه و بدست ما برسانید. رهبری حزب همه رفقا را به ایفای نقشی فعال و جدی در این دوره فرامیخواند. دست همگی شما را صمیمانه میفشارم و برایتان آرزوی موفقیت و سربلندی دارم.

آذر مدرسی

دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)
۲۰ ژانویه ۲۰۲۲

در حالیکه کرونا در دو سال اخیر، مایه جان باختن میلیون ها نفر شده و گسترش ناامنی و فقر در سراسر دنیا را تحمیل کرده است، واکسنهای مختلف کرونا، خود به کالایی پر سود تبدیل شدند. در این مدت شرکت های داروسازی، ارقام نجومی سودهای خود را منتشر کرده اند. دانش بشری، تولید واکسن و راه مقابله با این پاندمی، به ابزاری برای باجگیری و معامله های سیاسی و تجاری میان دولت های گوناگون تبدیل شد. باری دیگر کرونا نشان داد که نه جان و سلامت انسانها، نه مقابله همه جانبه با آن، بلکه سود تعیین می کند که چه بخشی از مردم جهان حق و امتیاز ادامه زندگی را داشته باشند و چه بخشی بدلیل فقر امکان دسترسی به واکسن را نداشته و قربانی سیاست بازار آزاد، متکی به کسب سود و به جیب زدن میلیاردها دلار توسط غولهای سرمایه شوند.

با اعلام امکان تولید واکسن جدید، یکبار دیگر ضدیت حق انحصار تولید با نیازهای بشریت و در این مورد با حیات و زندگی میلیاردها انسان را در سراسر دنیا می توان دید. حق انحصار تولید، همان حق احتکار سرمایه، بدون شک یکی از پایه های تضمین سودآوری و ادامه کاری آن است. «حقی» که به سرمایه داران اجازه می دهد تا موقعیت خود در رقابت با دیگر سرمایه داران تحکیم کنند، و آنها پیش شرط هرگونه تولیدی کرده اند و بنیادهای بین المللی برای حفاظت از آن ساخته اند. امروز نه فقط تولیدات، بلکه حتی فکر انسان را قابل انحصاری شدن، کرده اند. از تخم گندم گرفته تا ماشین آلات و کتاب و موزیک، همه و همه جواز و حق انحصار تولید خود را دارند! کرونا باری دیگر نشان داد که دولت های بورژوازی، با قانونی کردن این «حق انحصار» تا چه حد دست سرمایه داران را برای تولید سود باز گذاشته اند، نیاز مردم به حتی حداقل های نیازهای جامعه بشری را به گروگان گرفته و دسترسی به حداقل امکانات زندگی را برای بخش اعظم مردم در سراسر جهان را غیر ممکن کرده اند. عدم به رسمیت شناختن این حق انحصار و این امتیاز ویژه، این مجوز کسب سودهای کلان به قیمت تحمیل محرومیت از دستاوردهای بشری به بخش اعظم مردم یکی از پایه های دولت کارگری و هر دولت مردمی است. هیچ فرد و نهاد و سازمانی، نباید این امکان را داشته باشد که هیچ بخشی از محصولات و تولیدات جامعه را، به بهانه حقوق انحصاری خود، به احتکار خود در آورد و بابت ارائه آن به جامعه، باج بگیرد. این خواسته قدیمی مردم دنیا است که نتوانند از هر دستاوردی در دنیا بهره مند شوند. امروز با گسترش علم، هر محصولی هر چند کوچک و یا بزرگ، می تواند به راحتی در هر نقطه دنیا تولید شود، مانع دسترسی به این تولیدات در واقع نه ناشی از توانای بشری، بلکه حقوق ویژه ای است که سرمایه داران برای خود ملحوظ کرده اند و اجازه تولید را به احتکار خود درآورده اند.

اعلام واکسن جدید، تنها نشانی از این خواسته بشر است که امروز در مقابل این بیماری همه گیر، از جانب یک گروه در آمریکا ابراز می شود. اعلام این خبر به همه نشان داد که جامعه انسانی، دیگر تحمل این زورگویی و «انحصار طلبی» بورژوازی برای محروم کردن اکثریت جامعه از تولیدات خود را ندارد و آنها به رسمیت نمی شناسد. اگر بخش بسیار کوچکی از حمایت دولتها از شرکای خود در شرکتهای و غولهای داروسازی، به این تحقیق و تولید «کوب و کس» اختصاص پیدا میکرد، اگر برای دولتهای بورژوازی نجات جان میلیونها انسان در کشورهای فقیر و محروم به اندازه پر کردن جیب بورژواها اهمیت میدادند، مردم دنیا می توانستند از پیشروی کرونا جلوگیری کنند و میلیون ها نفر زندگی و جان خود را از دست نمی دادند و قربانی نمیشدند.

این تنها در مورد یک واکسن، برای مقابله با یک پندمی است. کافی است که همین عدم رسمیت شناسی حق انحصار را نه تنها به دارو و سلامت، بلکه به عرصه دیگر تولید در جامعه اشاعه داد، تا بسیاری از تولیدات بشری را به وفور قابل دسترس همگان کرد.

باید به «اجازه ثبت»، «حق انحصار» احتکار «قانونی» دستاوردهای تاکنونی و حتی آینده را، پایان داد. تولید واکسن جدید، جرقه ای از این خواست عمومی است که نه تنها انزجار خود از این دنیای وارونه، بلکه عزم خود برای سازمان دادن تولید و محصولات متنوع را بر اساس نیازهای واقعی جامعه، و نه تولید سود است که به غایتش گذاشته است.

در دولت کارگری حق انحصار تولید رسمیت ندارد. باز تولید محصول مورد نیاز مردم از طرف هر فردی نه فقط جرم نیست که آزاد و مجاز است. برعکس هرگونه جلوگیری و مانع تراشی در دسترسی مردم به محصولات جرم است. احتکار جرم است. محروم کردن مردم از دسترسی به نیازهای خود جرم است! محروم کردن مردم از دستاوردهای علمی، به مخاطره انداختن زندگی و سلامت مردم به هر بهانه ای، منجمله «حق انحصار تولید» جرم است! در دولت کارگری مردم حق دارند و باید به همه امکانات زندگی بدون هیچ اما و اگر دسترسی داشته باشند. اولویت اول و آخر دولت کارگری تامین زندگی مردم، تضمین سلامت، سعادت و رفاه مردم جامعه است. بشر برای آینده انسانی، برای تضمین به مخاطره نیفتادن حیات بشری، برای حفظ محیط زیست، برای جلوگیری از جنگ و کشتار، برای تضمین یک زندگی انسانی و سعادت مند نیازمند زیر و رو کردن این دنیای وارونه با همه «حقوق انحصاری» آن است!

پیام به مردم آزادیخواه کردستان!

حل مشکلات شما با این سرما و برف بر دوش دولت است

بارش برف سنگین اگرچه در ابتدا باعث شادی و پایکوبی مردم در شهرها و روستاهای مختلف در کردستان شد اما به دلیل مسدود شدن راهها، سرمای شدید و یخبندان و از کار افتادن نانواها و نبود امکانات و ملزومات زندگی، این شادیها دارد به کابوس تبدیل می شود. تلاشهای مردم برای باز کردن راهها و جاده های مسدود شده تا به حال به جایی نرسیده است. قطعی برق به دلیل رابطه مستقیمش با گاز و سیستمهای دیگر، به معنی از کار افتادن سیستم گرمایشی و پخت نان و ... می تواند باشد. این پدیده در بیشتر شهرها و روستاها متأسفانه اتفاق افتاده است. مسئولین در فرمانداریها و شهرداریها تا به حال و این بار هم عاجز از تامین مطالبات مردم بوده اند و عملاً اوضاع به شدت بحرانی جاده ها و وضعیت مردم را به حال خود رها کرده اند. تلاش ها و ابتکارات مردم برای لایروبی برف و بازکردن جاده ها و راهها قابل تحسین اما محدود بوده است. در میوان در پی اعتراض مردم زحمتکش شهرداری مجبور شده به دارندگان ماشین آلات راه سازی فراخوان بدهد و هزینه های آنها برای لایروبی برف پرداخت نماید. در سنج هم امروز صبح شماری از شهروندان با تجمع در برابر شهرداری مرکزی شهر خواستار رسیدگی مقامات به اوضاعی شدند که برف و یخبندان به دنبال داشته است. عدم رسیدگی به این اوضاع مرگ و میر و تصادف و ... به دنبال داشته است.

مردم آزادیخواه!

دولت و هیچ مقام دولتی بر شما پوشیده نیست که حاکمیت و مقامات محلی آنها از شهردار تا استاندار و شورای شهر و ... حاضر به تامین نیازمندی های شما مردم آزادیخواه نیستند. این حقیقت در این فصل سرما و برف و بارندگی شدید معضلات جدی ای به مردم تحمیل کرده است. راه ما مردم آزادیخواه برای حل این معضلات در مقابل حکومتی نامستول و مقاماتی فاسد، چیزی جز اتکا به نیروی خود، تجمع وسیع و بزرگ و اعمال فشار بر آنها نیست. بر شما پوشیده نیست که اینها از جیب ما کارگران و مردم محروم و از همه امکانات جامعه میخورند و سرمایه تلنبار میکنند و برای رفع ابتدایی ترین مشکلات همین مردم شانه بالا می اندازند. باید آنها را سر جای خود نشانند! ما میتوانیم با اتکا به نیروی متحد خود نه تنها مشکلات برف و بارندگی را رفع کنیم که بسیاری از مطالبات خود از تامین سوخت و گرما تا آب، برق، درمان و امکانات رفاهی را تحمیل کنیم.

مردم شهر و روستاهای کردستان!

باید و شایسته نیست در مقابل مشتکی حکومتگر نامستول، دست روی دست گذاشت و زندگی اجتماعی را به حال خود واگذار کرد. متحد شوید و به قدرت دهها و صدها هزار نفره خود به میدان بیاوید و مقامات را تا زمانی که سر کاراند، برای تامین نیازهای زندگی باید پاسخگو باشند.

زنده باد قدرت سازمان یافته شما برای رسیدن به تمام خواسته های تان!

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۰ ژانویه ۲۰۲۲

«دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم و

بدون خطر سوسیالیسم

به چه منجلائی بدل میشود..»

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5910

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena